

و چون شیخ رضی الله عنه تفسیر کرد بر لغزان معرفت حق سبحانه و تعالی بحیضات تنزیه  
 بحسب حال معرفت او باعتبار تشبیه فقط معنای معلوم شد تصریح میفرماید معرفت کامله  
 جامع بین تشبیه و التزمیه که بنده از قبل شارح ماوریه و بعضی از شرایع بر آن ماجر است  
 و اعلم ان الطریق الحق الذی طلب الله سبحانه بمثل قوله فاجبت ان  
 و بدانکه بدستیک راه حق که طب کرد الله سبحانه بمثل قول او پس درست  
 اردت ان اعرف تخلفت الخلق ان یعرف به هو ما جاءت به السنه الشرایع  
 اراده کرد که سنه خفته نرم بودم خلق را که سنه سجد او بان آنچه است که آیه این است  
 المنزله علی الرسل صلوات الله علیهم اجمعین كما ینزل الیه قوله و تعرف الیهم  
 که نازل کرده الله بر اول صوات علیهم اجمعین چنانچه در آیه بوی قول او در معرفت  
 ای بالسنه الشرایع تعرف فی ای علی ما عرفتم فیما تعرفت الیهم فی وصفه  
 ای بر زبانهای شرایع پس شناختند راهی بر قدریکه شناسایی و آدم این را در اول در صفت  
 الجامع بین التنزیه و التشبیه لانه تعالی نزله و شبهه و جمع بینهما فی آیه  
 که جامع است میان تنزیه و تشبیه زیرا که در تشبیه را در جمع کردن آیه تنزیه  
 واحده فقال لیس کثله شیئ فنزه وهو السمع البصر فتبیه و جمع بینها  
 پس فرمودت هیچ چیز مثل او نیست زیرا که او شنوا و بیناست پس تنزیه او در جمع آیه  
 بل نصف هذه الایة و هو قوله لیس کثله شیئ جمع بین التنزیه و التشبیه  
 بلکه در نصف این آیه دان قول او لیس کثله شیئ جمع است میان تنزیه و تشبیه  
 علی قول من یقول ان الکاف غیر ذلک فان فیها لقی مما ناله الا تشبیه  
 بر قول کسیکه بگوید که بدرستی که کاف کثرت از آیه است پس در آن نمی است

لانه

لانه مثل المنزه و هو اثبات النزل و هو عن التشبیه فی نفس التنزیه  
 مثل او در اول تنزیه است و آن اثبات است مثل تنزه را دان عین تشبیه است و نفس تنزیه  
 بمعنی ان المثل اذا نزل فیما لا ولی ان یكون الحق منزها عن کل ما ینزل  
 بمعنی آنکه بدستیک مثل آنکه تنزیه کرده بود طریق اولی آنکه بنده عن سنه از هر چه که تنزیه کرده  
 مثله لان تنزیه المثل المثلث فی هذه الایة موجب لتنزیعه  
 مثل او زیرا که بدرستی که تنزیه کتاب کرده شده است در این آیه و حقیقت تنزیه او  
 بالاحق و الا حق و کذا الذک النصف الثاني فانه صریح فی التشبیه  
 بلایق ز و سنه او در و محبان نصف ثانیه پس بدرستی که جمع است در تشبیه  
 و کذا فی التحقيق و تد فیق المظر اللذ فی عن التنزیه الحقیقی  
 دیگر ان در تحقیق و تد فین نظر دین عین تنزیه حقیقت در  
 صوره التشبیه لان قوله وهو السمع البصر فید تخصیصا فاما  
 صورت تشبیه زیرا که بدرستی که قول او در السمع البصر فاید سیده تخصیص در آیه  
 السمیة و البصیرة بمعنی انه لا سمیع ولا بصیر فی الحقیقه  
 سمعت و بصیرت بمعنی آنکه بدرستی که جمع است در جمع و تب هیچ بصیر در حقیقت  
 الا هو ففی السمع بعین سمع کل سمیع و البصیر بعین کل بصیر فهو  
 مکرر پس او سمع بعین سمع هر سمیع و بصیرت بعین بصیرت هر  
 تنزیه تعالی عن ان لیس ارکه غیره فی السمع و البصر و حقیقت  
 تنزیه او تعالی است از آنکه مشارک شود او را غیر او در سمع و بصیرت حقیقت  
 تنزیه الحقیقین فلا یتعد الا ای کما تجاوز ما جاءت به السنه  
 تنزیه محققین پس متدی نمی شود از آنجا که نمیکند چیزی را که آورده است از آیه